

گردهن بهار

بالای کوهسار
 از بوسه طلایی خورشید صبحگاه
 وقتی شکوفه خنده زد و برف گریه کرد
 وقتی که اولین علف از زیر سنگ رُست
 وقتی که آن گیاه جوان زلف سبز را
 بر آب چشمه بست
 وقتی نهال نازک کوهی جوانه کرد
 وقتی نسیم موی ترا نرم شانه کرد
 در گردهن بهار
 دیدی اگر غمی به دلت آبیانه کرد
 آن غم منم
 مرا
 یک لحظه به یاد کن -
 بی هیچ انتظار...

XXXXXXXXXX

زاده
۱۹۸۷